

زنان و جنسیت در دوره ساسانی

بهرام روشن‌ضمیر^۱

چکیده

پس از شکل‌گیری تحولات مهم در برابری جنسیتی یا تلاش‌های فمینیستی در این باره در سده بیستم، به مرور این پرسش مطرح شد که زنان چه جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حقوقی در دوره‌های پیشین داشته‌اند. اکنون از تخصصی به نام باستانشناسی جنسیت^۲ یا هویت جنسی در باستانشناسی هویت^۳ و به شکل عام‌تر باستان‌شناسی اجتماعی^۴ سخن گفته می‌شود. برای رسیدن به یک تحلیل اجتماعی درباره دوره‌ای از تاریخ، باید علاوه بر استخراج داده‌های خام آن دوره، ترازویی برای سنجش وجود داشته باشد. در اینجا تلاش می‌شود با رویکردی تاریخی و حقوقی، روند افزایش یا کاهش جایگاه زن در ایران دوره ساسانی که به تثبیت او به عنوان جنس دوم انجامید، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: زنان، حقوق، ازدواج، تاریخ ساسانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان.

^۲ Gender Archaeology

^۳ Gender Identity

^۴ Social Archaeology

مقدمه

نقش زن را در تحولات فرهنگی و تمدنی انسان در دوره پیش از تاریخ، گاه بیش از مرد می‌دانند (Dahlberg, ۳۹۸۳). آن هنگام که مردان به شکار و محافظت از خانواده و قبیله می‌پرداختند، زنان به مدیریت سکونت‌گاه مشغول بوده و هفتاد درصد غذای مورد نیاز را آنان می‌یافتند. ظاهراً این زنان بودند که سخن‌گویی را تکامل بخشیده و به نسل‌های بعد انتقال دادند و شاید از همین روست که تا امروز هم اصطلاح «زبان مادری» به کار می‌رود (لاهیجی و کار، ۱۳۸۷: ۲۳). به جز اهمیت بالاتر اقتصادی و مادی، نقش معنوی و نمادین و مذهبی زنانگی هم بیش از مردان و مردانگی بوده است. این را آثار کشف‌شده‌ای که اصطلاحاً پیکرک ونوس می‌نامند، ثابت می‌کند. ۲۵ تا ۳۰ هزار سال پیش، بشر اهمیت زاینده‌گی زن را دریافته بود و با ساخت این تندیس‌های نمادین «کهن مادر نخستین» یا «مادر کبیر» را گرامی می‌داشت (Stone, ۲۰۱۲) از میان پنجاه و پنج پیکرک یافت شده از دوره‌های نخستین (کهن سنگی) تنها پنج مورد ویژگی‌های مردانه داشته و بقیه زنانه‌اند (لاهیجی و کار، ۱۳۸۷: ۳۸).

در ایران نیز از پیکرک ونوس سراب مربوط به هشت هزار سال پیش تا آثار دوره ایلامی حضور جدی زن در اقتصاد و معنویت و مذهب را بسیار پررنگ می‌یابیم. نمونه‌هایی از عصر مدرسالاری را در اسطوره‌های ایرانی به ویژه در شاهنامه فردوسی می‌توان یافت (مزدپور، ۱۳۵۴: ۱۰۰ به بعد).

پس از انقلاب کشاورزی و با رواج استفاده از فلزات، آنچه مدرسالاری خوانده می‌شد جای خود را به پدرسالاری داد و جایگاه زن به مرور به مادری و خانه‌داری محدود شد (Smuts, ۱۹۹۵: ۱۵f) با تثبیت آریایی‌ها و همچنین با غلبه فرهنگ سیاسی متمرکز آشور- بابلی به جای فرهنگ سیاسی غیرمتمرکز سومری، زن به جنس دوم تبدیل شد (Daems, ۲۰۰۱: ۴۱-۵۱).

در ایلام کهن (دوره سوکل‌مخ‌ها)، زنان به نسبت وضعیت مناسبی داشتند و انتقال جانشینی از طریق خواهرزاده (روخوشک) بازتابی از باورهای مدرسالارانه کهن بود. با این حال

پدرسالاری در همین دوره هم به خوبی هویدا است (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۸-۲۸). در ایلام میانی، تثبیت انتقال مستقیم جانشینی از پدر به پسر (۵۸۸-۵۸۶: ۱۹۹۰، Van Soldt) نشانگر روند تاریخ در زمینه جنسی است.

اگرچه نقش زنان را در مهرها و فرش‌های هخامنشی می‌بینیم، خبری از تصویرنگاری زنان در نقش برجسته‌های رسمی دوره هخامنشی (در تخت جمشید و دیگر نقاط) نیست (جلیلی و فاطمی، ۱۳۹۰: ۱۴). در تمدن میانرودان مردوک به عنوان خدای نرینه، شاه خدایان گشت و خدایان دیگر را کمرنگ کرد (Trible, ۲۰۱۴: ۱۹-۲۱). بررسی واژه پدر در زبان‌های هند و اروپایی نشان می‌دهد که این واژه افزون بر داشتن معنای والد، مفهوم سرپرستی و ریاست هم می‌دهد (Lewis, ۱۸۷۹/Pater)، وضعیت زن در دوره هخامنشی را پژوهشگرانی چون بروسیوس (بروسیوس، ۱۳۸۱: ۱۲۷) و کخ (کخ، ۱۳۸۷: ۲۶۹-۲۹۷)، مثبت ارزیابی کرده‌اند. چنانکه مظاهری نشان داده، با پیدایش پول و ثروت در دوره هخامنشی، با به ارث رسیدن پول، تیره‌های بزرگ به خانواده‌ها تقسیم شدند که این خود تحولی بزرگ در جایگاه و نقش زن ایفا کرد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۴-۱۳).

آگاهی ما از دوره سلوکی و اشکانی بسیار اندک است. اشاره پلوتارک، تاریخنگار سده یکم و دوم میلادی مبنی بر اینکه مردان متعصب ایرانی زنان خود را در پشت پرده‌ها پنهان کرده اجازه نمی‌دهند چشم کسی بر آنان بیوفتند، تنها نشان‌دهنده آن است که اهالی امپراتوری روم زن ایرانی را نمی‌دیدند و نمی‌شناختند.

با این حال به نظر می‌رسد در مجموع وضعیت زن در هزاره نخست پیش از میلاد در تمدن‌های شرق نزدیک بهتر از یونان و رم بود. افلاطون که آبخور فکری او و سقراط را «شرقی» می‌دانند (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۱-۳۲)، به قول ویل دورانت، هوادار زنان بود، حال آنکه ارسطوی یونانی مآب، اندیشه ناقص‌العقل بودن زن را نخستین بار تئوریزه کرد (دورانت، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

دوره ساسانی

از هشتاد قطعه هنری ساسانی، شامل قطعات گچ‌بری، موزاییک، ظروف زرین و سیمین، نقش‌برجسته‌ها، مَهرها و نگین‌ها، در بیست مورد (۲۴٪) زنان ظاهر شده‌اند (امیرزاده گوغری، ۱۳۷۹)، یازده مورد در کنار مردان (۵۷.۸۹) و در هشت مورد (۴۲.۱٪) به تنهایی و مستقل نمایش داده شده‌اند. در پنج مورد از سی و چهار نقش‌برجسته ساسانی (۱۴.۷٪)، زنان (در کنار مردان) به تصویر کشیده شده‌اند. ولی مراسم اعطای قدرت و دیهیم‌بخشی به شهبانوها در هنر ساسانی پدیده‌ای ناشناخته است (Shahbazi, ۱۹۹۸: ۵۸-۶۶). باید گفت این پدیده به‌کل در تاریخ ایران غایب است. در زمان بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) برای نخستین بار، شهبانو را در سنگ‌نگاره‌ی رسمی کشور، پشت سر شاه و جلوتر از کرتیر، موبد قدرت‌مند می‌بینیم (دریایی، ۱۳۸۷: ۲۷). این حضور خانوادگی در سکه‌های بهرام دوم هم تکرار می‌شود.

مهر شاهی از شهبانو دینگ، مادر پیروزشاه ساسانی نیز به دست آمده است که در نوع خود نخستین است (Herzfeld, ۱۹۲۴: ۷۵). هم‌چنین باید به حضور آناهیتا یا یک زن دیگر در سنگ‌نگاره رسمی ساسانی در زمان نرسه (۲۹۳-۳۰۲) پرداخت که به عنوان زن تاج‌بخش نه پیشینه داشت و نه تکرار شد. بوراندخت (۶۳۲-۶۳۴ م) نخستین زن در تاریخ ایران که نه موقتاً بلکه رسماً به پادشاهی رسید و خود را در سکه‌اش احیاگر تخمه ایزدان نامید (زرین‌کوب، ۱۳۹۴: ۵۵۰؛ Emrani, ۲۰۰۹). از دیگر پادشاهان زن در پایان دوره ساسانی می‌توان به آذرمیدخت (۶۳۴-۶۳۴ م) اشاره کرد (همانجا). در طاق‌بستان، سنگ‌نگاره‌ای از خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) در کنار زنان خنیاگر وجود دارد که باز هم از انگشت‌شمار نمونه‌های تاریخ طولانی ایران است که به کارکرد زن در موسیقی می‌پردازد. این برداشت با نوشتارهای تاریخ اسلامی چون ثعالبی و طبری درباره حضور گسترده زنان در موسیقی عصر پایانی ساسانی هماهنگ است، از میان کم‌شمار نمونه‌های نقاشی از زن که در تاریخ ایران باستان بر جای مانده، باید به آثار دوره شاپور یکم (۲۳۰-۲۷۰ م) در کاخ بیشاپور اشاره کرد (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

از میان شش امشاسپند یا فرشته یاور اهورامزدا، سه‌تای آن‌ها (سپندارمذ، خرداد، امرداد) مادینه و سه‌تای آن‌ها (بهمن، اردیبهشت، شهریور) نر هستند. ایزدانی چون مهر و بهرام، تیشتر و آذر، نرینه و در کنار آن‌ها اردویسور آناهیتا، اشی، گوشورن و ایزد دین از مهم‌ترین ایزدبانوان مادینه‌اند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۱۶-۴۱).

در اهمیت و نقش ایزدبانو آناهیتا که برخی آن را خدای دودمانی ساسانیان می‌شمارند (لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۹۴)، بسیار سخن گفته شده است (دریایی، ۱۳۸۷: ۳۰)، برخی او را خدای قومی - ملی ساسانیان دانسته‌اند. ناهیدکده‌ها در فرهنگ پس از اسلام تغییر کاربری داده و بسیاری از آنان با نام قلعه‌دختر، پل‌دختر، قیزقلعه یا آرامگاه‌هایی منسوب به زنان و دختران بزرگزاده باقی مانده‌اند (مدرسی و سیفی، ۱۳۹۱).

در زمان پادشاهی شاپور یکم، دومین شاهنشاه ساسانی، برای نخستین بار در تاریخ ایران (به جز دوره ایلامی)، پادشاه در سنگ‌نوشته رسمی‌اش به شهبانویس با نام اشاره دارد. کمی بعد در زمان بهرام دوم، برای نخستین بار در تاریخ ایران، شهبانو در سنگ‌نگاره‌های رسمی، در کنار پادشاه حضور دارد. اندکی بعد شاهنشاه (نرسه) در نقش رستم دیهیم شاهی خود را باز هم برای نخستین بار از دست یک زن می‌گیرد. درباره هویت این زن (آناهیتا یا بانوی درباری) اختلاف نظر است (هارپر، ۱۹۸۱: ۳۴-۳۸؛ شهبازی، ۱۹۸۳: ۲۵۵-۲۶۸)، ولی تردید نیست که او یک «زن» است. آناهیتا نخستین بار در دوره ساسانی، در زمان نرسه به تصویر کشیده می‌شود (همان: ۴۹۷). نرسه سنت دریافت دیهیم پادشاهی و فره ایزدی از اورمزد که همیشه به گونه‌ی مرد ترسیم می‌شد را ترک گفت و یک زن را جایگزین او کرد. سپس در هنگام کودکی شاپور دوم، ملکه مادر، به همراهی بزرگان، فرمانروایی می‌کند (کریستن‌سن، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

روند صعودی وضعیت سیاسی زن در دوران ساسانی در سده پنجم میلادی ادامه دارد، آنجا که به هنگام شاهنشاهی پیروز و درگیری‌اش با برادر شورشی، مادر او شهبانو دینگ در تیسفون به نام خود با عنوان بانیشبان‌بانشین مَهر می‌زند (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در همین زمان در

خدای‌نامه که تاریخ رسمی کشور بود و تصویری از آن در شاهنامه‌های دوران اسلامی منعکس شد به پادشاهی زنی به نام همای در دوران کیانی - نیاکان ساسانیان - اشاره می‌رود و این الگوسازی که به وضوح دست‌پخت ساسانیان بود، در دوران خسرو پرویز بیش‌تر خود را نمایان می‌کند، همسران او مریم و شیرین در سیاست دست بالا را داشتند. درباره هویت حقیقی مریم و شیرین ابهام زیادی وجود دارد، با این‌حال جایگاه بلند آنان در افق اندیشه و داستان‌های ایرانیان دوره ساسانی و پس از آن، برای ما اهمیت دارد (موید، ۱۳۷۰).

پس از خسرو پرویز - البته در هنگام نبود پسری از او - دخترش پوراندخت و پس از درگذشت او، خواهرش آذرمیدخت به پادشاهی رسیدند، این برای نخستین بار در تاریخ ایران است که زنان به صورت دائمی و رسمی به تخت نشستند (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۸). کوتاهی فرمانروایی به سبب مرگ طبیعی بوراندخت و درگیری شخصی خاندان فرخزاد با آذرمیدخت از بخت و اقبال بود و گرنه از سوی جامعه پذیرفته شده بودند.

بارتلمه می‌نویسد: «زن در امپراتوری ساسانی، جداً راه تعالی و استقلال حقوقی خود را می‌پیموده و نیز بخش بزرگی از این راه را در پشت سر داشته است. ولی پیروزی عرب و سرنگونی امپراتوری ساسانی دوباره موجب شد که این کامیابی‌های زن، همه یکباره طریق زوال و تباهی در پیش گیرند» (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۲۲). کریستن سن می‌نویسد: «پیش از اینکه اعراب مسلمان ایران را فتح کنند، محققاً زنان ایران در شرف تحصیل حقوق و استقلال خود بوده‌اند» (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۳۲۸)، در اینجا تلاش می‌شود این ادعاها راستی‌آزمایی گردد.

نگاهی به کتاب‌های دوران ساسانی، نشان از دو اصل بنیادین در موضوع زن می‌دهد. نخست اهمیت زن و مدون بودن همه شئون و حقوق مرتبط با او به گونه‌ای که سلیقه‌ها را به کم‌ترین حد ممکن تنزل می‌دهد (Ghazanfari & Davari, ۲۰۱۶). دوم جایگاه ثانوی زن به نسبت مرد؛ به گونه‌ای که غالباً هم‌رده با او قرار نمی‌گیرد (همانجا). بدیهی است که طبقات و نظام مردسالارانه‌ی دینی، دست کم نیم‌هزاره پیش از ساسانیان وجود داشته است که بر مبنای آن

جنسیت یکی از شاخصه‌های مهم انسان در جامعه است (پارشاطر، ۱۳۸۰: ۸۰). در کتاب‌های زند و تفسیر که همه در دوره ساسانی نگاشته شده‌اند، نگاه مردانه به جامعه کاملاً بازتعریف و سامان‌مند شده است. از جمله در کتاب پهلوی *شایست ناشایست* چهار درجه مهتری تشخیص داده شده است: خانه‌خدا (خانه‌سالار)، کدخدا (دوده‌سالار) و ایلخان (سالار قبیله)، فرمانروا (سالار کشور) (مزدایور، ۱۳۶۹: ۵۸). سالار در واقع به معنی سرپرست بود (Ghazanfari & Davari, ۲۰۱۶). گماردن سالار بعدی، یکی از خویش‌کاری‌های سالار کنونی - در صورت نداشتن فرزند پسر- بود و اگر چنین نمی‌کرد، پس از او به روش‌های دیگری یک سرپرست برگزیده می‌شد (۲-۷: ۵: Revāyat-e Emid-e Ašavaheštān). مرد در خانواده وظیفه سنگینی داشت و رها کردن همسر از سوی مرد، حکم اعدام (مرگ ارزانی) داشت (Skjærøv, ۲۰۳۳)، در عین حال، درباره ثواب احترام گذاشتن زن به شوهر و گناه رعایت نکردن دستورات شوهر مطالب بسیار گفته شده است (Ardā Wirāz-Nāmag, Chap. ۳۳ and Chap. ۸۲)، بنابر *اوستا* دختر و پسر را تا پیش از پانزده سالگی نمی‌توان به خانه بخت فرستاد (وندیداد، ۱۴، ۱۵). در ازدواج‌های موسوم به پادخشایی‌ها، افزون بر پذیرش پدر، پذیرش دختر هم الزامی بود و دختر می‌توانست به پدر و یا قیم خود اظهار دارد که از پذیرش پیشنهاد خواستگار علیرغم میل پدرش، خودداری خواهد کرد و پدر نیز ناگزیر از پذیرش می‌گردید (Ghazanfari & Davari, ۲۰۱۶)، و در ادامه پدر نمی‌توانست دختر را از ارث محروم سازد و یا به وسیله دیگری او را کیفر دهد (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۲۲).

زن پس از اینکه به خانه شوهر می‌رفت قانوناً عضوی از خاندان شوهر بود، نه خاندان پیشین خودش، یعنی از شوهر ارث می‌برد نه از پدر (MacKenzie, ۱۹۶۹: ۱۰۵; Perikhanian, ۳۹۸۳: ۶۴۶) فرزندان که از این ازدواج پدید می‌آمدند نام، ثروت و مرتبه اجتماعی پدر را به عنوان اخلاف قانونی او به ارث می‌بردند (ویسه‌هوفر، ۱۳۸۰: ۲۲۴). موضوع دیگری که در قانون

ساسانی شرح زیادی درباره آن داده شده است، مسئله قیمومیت صغیران و زنان و خانواده‌های بدون اعضای مذکر بود (همان: ۲۲۵).

زن در ایران ساسانی، به سبک ساختار حقوقی تمدن‌های شرق نزدیک باستان (Pritchard, ۱۹۶۹. ۱۵۹. ۲۲۱) و برخلاف اروپای باستان (Pomeroy, ۱۹۹۴. ۶۲-۷۳-Schaps, ۱۹۹۸. ۱۲۸) و جهان مسیحیت (۲۰۱۰: ۳۲۰-۳۲۲ Whittle; Franklin ۱۹۸۶: ۱۸۹-۲۰۱)، از حق اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء (مالکیت و مدیریت مالی) درست همچون مرد برخوردار بود و به کارفرمایی و کارآفرینی دست می‌زد (بروسیوس، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۳۶). زن دوره ساسانی می‌توانست با همراهی یا بدون شوهر به شراکت دست بزند، به هنگام جدایی از همسر (البته با اجازه مرد) و ازدواج با مرد دیگر، دارایی‌های منسوب به او از شوهر نخست ستانده می‌شد. حضانت فرزندان نیز با مرد بود که می‌توانست آن را به شوهر نوین زن بدهد (بارتلمه، ۱۳۷۷: ۱۳۲). انسان‌شناسان معتقدند چندشوهری در فرهنگ‌هایی رواج دارد که زندگی در آن‌ها دشوار است زمین کمیاب است و داشتن یک همسر در واقع یک نوع بار اقتصادی به شمار می‌آید (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۲۴)، در مورد جامعه ایران در عصر ساسانی شاید بتوان این نتیجه را بدست آورد که از طریق نوعی از چندشوهری به منظور تولد فرزند پسری که جانشین قانونی مرد باشد، امکان حفظ دارایی‌ها و اموال تضمین می‌شد.

از نظر حقوقی مردان می‌توانستند چند همسر داشته باشند ولی با بررسی متن حقوقی مادیان تنها به یک مورد مرد با دو همسر برخورد می‌کنیم، و براساس شواهد تاریخی عامه مردان دوره ساسانی، تک‌همسر بودند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۵۴)، آنان که اندکی وضع بهتری داشتند افزون بر پادشازن، چگوزن هم می‌گرفتند که کارکرد کنیز در دوره‌های بعدی را داشت. چنانکه گزارش‌ها نشان می‌دهد، پارسیان هند مطلقاً تک‌همسر بودند. بارتلمه دلیل آن را اقتصادی و مربوط به شرایط پس از فتوحات اسلامی می‌داند (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۱۲). شاید بتوان این شرایط اقتصادی را برای همه جامعه به جز اشراف، در دوره ساسانی هم نه‌چندان متفاوت

دانست. ضمن اینکه زناشویی‌های به جز پادخشایی، نوعی پیوند نیمه‌رسمی و موقتی بود. ارث نبردن زنان چگری و ستوری از شوهر خود نشان می‌دهد که آنان واقعاً عضو خانواده نبودند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۶۰). مرد در زمانی که زن قدرت فرزندآوری نداشت چگرزن می‌گرفت (۲۰۲: ۱۹۳۸، Dhabhar)، برخی هم ازدواج چگری را زناشویی میان زن بیوه‌ی بی‌پسر با یک مرد دیگر می‌دانند که فرزند حاصل از آن نه وارث آن مرد که وارث متوفی بود (Shaki, ۱۹۹۹). در مجموع، زناشویی‌های نیمه رسمی چون چگری و آیوگین و ستوری بیشتر برای حل مسأله وراثت و جانشینی سالار بودند (بادامچی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳۹)، اختلاف نظرات در مورد آنان باعث می‌شود تا نتوان مسأله را روشن و واضح دانست و تفسیرهایی تند بر ضد حقوق زنان از آن بیرون کشید. در همه این موارد، دارایی زن نه تنها از ملکیت او خارج نمی‌شد بلکه حق اداره کردن آنها را هم می‌داشت و می‌توانست مال خود را به خانه شوهر موقت نبرد و یا ببرد و سپس برگرداند (Perikhanian, ۱۹۸۳: ۶۵۰)، یعنی این زناشویی‌ها در استقلال مالی و اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء زن خدشه‌ای وارد نمی‌کرد و تبعیض چندانی میان زن و مرد نبود. همچنین مرد می‌توانست اداره اموال خود را پس از خود به زن بسپارد تا زمانی که فرزند آنان به سن بلوغ برسد، یعنی زن امکان مدیریت اموال مرد را می‌داشت (بادامچی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳۰).

اگر پولس رسول، نخستین پیشوای مسیحیت در باره‌ی آموزش زنان می‌گوید: «آدم فریب نخورد، بلکه از ناحیه زن فریب خورد. بگذارید زن با همه مشقت‌هایی که دارد، سکوت را بیاموزد. من نمی‌توانم این را تحمل کنم که شاهد باشم زنی درس بخواند و بر شوهر خویش تسلط یابد»، آتورپات (آذرباد) مارسپندان، موبدان موبد ساسانی در سده چهارم میلادی می‌گوید: «زن و فرزند خود را از فراگیری دانش و هنر باز مدار تا غم و اندوه به تو راه نیابد و در آینده پشیمان نشوی» (عریان، ۱۳۷۱: ۶۸).

اگر یهودیان - و سپس مسیحیان - در نمازهای خود می‌گفتند: «خدایا سپاس که مرا کافر و زن نیافریدی» (دورانت، ۱۳۸۵: ۱۴۹)، و در کیشِ میتراپی رومی زنان را به معابد راه نبود، روایتِ پهلوی تأکید دارد که دختر به جای اینکه تنها به شوهر کردن فکر کند، باید گاهان اوستا را بیاموزد، چون هیچکس که گاهان نیاموزد بهشتی نشود (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۱۷)، همچنین است سرودهای زرتشت که در آن می‌خوانیم: «بشنوید با گوشها، بهترین را و ببینید با منشِ روشن، هریک از شما چه مرد و چه زن، پیش از آنکه رویداد بزرگ به کام ما پایان گیرد از میان دوره [یکی را] برای خویش‌تن برگزینید این [پیام] را به [دیگران] بیاموزید» (یسناوی ۳۰، ۲).

آموزگار بر این باور است که در دوره‌های تاریخی ایران، خانواده به تدریج کوچک‌تر شد و به تحولات پیشرفته‌ای دست یافت (آموزگار، ۱۳۹۵: ۵۷). تحول کلی اجتماع ایرانی در راه آزادی فرد، از قدرت رئیس و پدر خانواده کاست و باعث افزایش قدرت دیگران شد. مسلماً چنین دگرگونی‌ای از تحولات اقتصادی و سیاسی جامعه در آن دوره تأثیر پذیرفته بود، ولی نباید فراموش کرد که همچنان چه تشکیلات سیاسی و چه دینی، در این دوره پدرسالارانه بود، و همیشه در رأس گروه‌ها مردان و سپس زنان قرار داشتند. با این حال تقویت جایگاه دین رسمی و غلبه شریعت و قانون زرتشتی بر عرف و نفوذ آن به درون خانه‌ها طبیعتاً باید به کاهش و نزول استبداد و فردیت کدک‌خدای و دوده‌سالار انجامیده باشد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۸). برای نمونه وقتی سالار (سرپرست) درمی‌گذشت و جانشینی نداشت، زن وی می‌توانست هم‌خوابه (یا گادار) بگیرد و با او هم‌خانه شود. این شخص همه‌گونه مسئولیت فرزندان این خانواده را تا دوران بلوغ برعهده داشت (روایت امید اشوهیستان: پاسخ ۵، بند ۲۴). در ایران ساسانی کودکان حاصل از روابط آزاد را پیک خدایان می‌خوانده‌اند. دختران در صورتی که پدران‌شان مانع ازدواج دلخواه آنان می‌گشتند، می‌توانستند به روابط آزاد (گادار) تن در دهند و اگر روابطشان موقتی بود، از ارث پدر محروم نمی‌شدند، ولی اگر به صورت دائم به هم‌خانه شدن با یک مرد می‌پرداختند، نه خود و نه فرزندشان از هیچ سمتی ارث نمی‌بردند، هرچند

امکان انتقال اموال همیشه وجود داشت (Perikhanian, ۱۹۸۰: ۷۵). حتی در این حالت هم اگرچه دختر از ارث پدر محروم بود، اگر خود دختر درآمد نداشت، نفقه‌اش با پدر بود (Perikhanian, ۱۹۸۰: ۳۳، ۱-۳). این نگاه تساهل‌آمیز در دوره هخامنشی هم وجود داشت، در یکی از اسناد ازدواج آن دوره (AOAT ۲۲۲)، زن و شوهر پیش از ثبت ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کرده و بچه هم داشتند (Roth, ۱۹۸۹).

متون ادبی پس از اسلام و نگاره‌های دوره ساسانی هر دو بر حضور آزادانه زنان در مجالس بزم تأکید دارند (دریایی، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۵۶)، زن و شوهر از امکان طلاق برخوردار بودند و برای آنان گواهی طلاق صادر می‌شد (همان: ۱۷۲). دامز با بررسی حضور زنان در آثار هنری از نخستین اعصار پیش از تاریخ تا پایان دوره ساسانی به این نتیجه می‌رسد که دوره ساسانی همراه با عصر مفرغ (هزاره چهارم تا دوم پ.م) بیشترین حضور تصویری زن در آثار را به ما می‌نماید (Daems, ۲۰۰۱: ۵۲).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد دوره ساسانی یک استثنا در سیر نزولی وضعیت زن در تمدن‌های جهانی محسوب می‌شود. زن ایرانی از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی به‌ویژه در زمینه حضور در هنر و سیاست، وضعیتی صعودی و روبه‌رشد داشت، حال آنکه زن یونانی و رومی در هزاره نخست میلادی نسبت به هزاره نخست پیش از میلاد به وضوح پس‌رفت کرده بود.

زن از دوره کشاورزی جایگاه برتر و یا برابر با مرد را از دست داد و در عصر آهن و به‌ویژه در تمدن‌های بزرگ به «جنس دوم» تبدیل شد. این سقوط را به روشنی در مقایسه هزاره یکم پیش از میلاد با هزاره یکم میلادی می‌توان دید. در ایران ساسانی نیز زن همچنان جنس دوم ماند، از کودکی تا مرگ میان دختر و پسر تفاوت بود، بازتاب این تفاوت در مواردی مانند حق ارث، جانشینی، قیمومیت و سرپرستی خانواده، نمود می‌یابد. با این حال، شرایط زن بیشتر

بستگی به طبقه‌اش داشت و زنان طبقات اشرافی اگرچه از آزادی در رفت و آمد برخوردار نبودند، وضعیت حقوقی بهتری داشتند. زنان طبقات پایین‌تر نیز به دلیل ساختارمند شدن جامعه ایران در دوره ساسانی و چیرگی قانون و شرع بر عرف و سلیقه، منافی بدست آوردند، هرچند که برای برآمدن آنان تا سطح برابر با مردان باید تا سده بیستم و بیست و یکم صبر می‌کردند.

منابع و مأخذ

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۵)، «خانواده در ایران باستان»، در *تارنمای دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*.
- بارتلمه، کریستین (۱۳۳۷)، *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۱)، *زنان هخامنشی*، ترجمه هایده مشایخ. تهران: هرمس.
- حیدری، حسن و یوسف ابراهیمی نسب (۱۳۸۹)، «جایگاه زن در گذر تاریخ و سیری در حقوق آن» بی‌جا: بی‌نا.
- دادور، ابوالقاسم و روشنگر نشاط (۱۳۹۰)، «نقش زن در آثار هنری دوره ساسانیان». بی‌جا: بی‌نا.
- دژم‌خوی، مریم و کمال‌الدین نیکنما (۱۳۹۰)، «درآمدی بر نظام جنسیت و نابرابری اجتماعی در ایران ساسانی»، *جامعه‌شناسی تاریخی (دانش نامه علوم اجتماعی)*.
- *روایت امید اشوهیشتان* (۱۳۷۶)، ترجمه زهت صفای اصفهانی.
- *روایت پهلوی* (۱۳۶۷)، ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زرشناس، زهره و ویدا نداف (۱۳۸۷)، «جلوه‌های زن در تاریخ زندگی زردشت»، *جشن‌نامه دکتر بدرالزمان قریب*.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۵۲)، *شرح مصور نقش رستم*، شیراز: دانشگاه پهلوی.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۹)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی. تهران: نگاه.
- کوئن، بروس (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
- گیرشمن، رومن (۱۳۹۰)، *هنر ایران در دوره پارسی و ساسانی*، ترجمه محمد معین. تهران: معین.
- *متون پهلوی* (۱۳۷۱)، به کوشش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی ایران.

- مدرسی، فاطمه و نسرین سیفی (۱۳۹۱). «قلعه دختر»، *مجله مطالعات ایرانی*. سال ۱۱، شماره ۲۱.
- مزدپور، کتابون (۱۳۸۴)، «بررسی چند اصطلاح فارسی میانه دربارهٔ خانواده»، *زبان‌شناخت*، بهار و تابستان.
- _____ (۱۳۶۹)، *شایست ناشایست: متنی به زبان پهلوی ساسانی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مظاهری، علی اکبر (۱۳۷۷)، *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*، ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره.
- موسوی، سیدقاسم (۱۳۸۸)، «نگاهی بر سیر تاریخی حجاب زنان در فرهنگ ایران (از عهد باستان تا دوران قاجار)»، *فرهنگ*، شماره ۷۰.
- موبد، حشمت (۱۳۷۰)، «مریم و شیرین در شعر فردوسی و نظامی»، *ایرانشناسی*. شماره ۱۱.
- Azarnoush, Masud. (۱۹۹۴). "The Sasanian Manor House at Hajiabad", *Iran*, Florence.
- Daems, Aurelie. (۲۰۰۱). "The iconography of women in pre-Islamic Iran". *IRANICA ANTIQUA*. XXXVI. p. ۱-۱۵۰.
- Dahlberg, Frances (۳۹۸۳). *Woman The Gatherer*. Yale University Press
- Diaz-Andreu, M. (۲۰۰۵). "Gender identity", in *The archaeology of identity*. M. Diaz-Andreu & S. Lucy (Eds.). London: Routledge.
- Emrani, Haleh. (۲۰۰۹). "Like Father, Like Daughter: Late Sasanian Imperial Ideology & the Rise of Bōrān to Power". *E-Sasanika* ۹.
- Franklin, Peter. (۱۹۸۶). "Peasant widows' "liberation" and remarriage before the Black Death". *The Economic History Review*. ۳۹ (۲): ۱۸۶-۲۰۴.
- Joyce, R. A. (۲۰۰۴). "Embodied subjectivity", in *a companion to social archaeology*. L. Meskell & R. Proucel (Eds.). London and New York: Routledge.
- Lewis, Carlnton T. (۱۸۷۹). *A Latin Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.
- Nelson, S. (۲۰۰۵). "Gender archaeology", in *Archaeology: the key concepts*. C. Renfrew & P. Bahn (Eds.). London: Routledge.
- Pomeroy, Sarah. (۱۹۹۴). *Goddesses, Whores, Wives, and Slaves: Women in Classical Antiquity*. London: Pimlico.
- Savage, S. (۲۰۰۰). "The status of women in Predynastic Egypt", in *Reading the body*. A. E. Rautman (Ed.). Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Schaps, D.M. (۱۹۹۸). "What Was Free about a Free Athenian Woman?" *Transactions of the American Philological Association*. ۱۲۸: ۱۶۱-۸۸.
- Shahbazi, Sh. (۱۹۹۸). "Studies in Sasanian Prospography", in *the art and archaeology of ancient Persia*. V. Sarkhosh Curtis and R. Hillenbrand (Eds.). London: Tauris Publishers.
- Shaki, M. (۱۹۹۹). "Family Law: In Zoroastrianism", in *Iranica*, vol. IX, Fasc. ۲, pp. ۱۸۴-۱۹۶.
- Smuts, Barbara. (۱۹۹۵). "The Evolutionary Origins of Patriarchy", *Human Nature*, Vol. ۶, No. ۱.
- Sofaer, J. R. (۲۰۰۷). "Materiality and identity", in *Material identities*. J. R. Sofaer (Ed.). Oxford: Blackwell.

- Stone, Merlin. (۲۰۱۲). *When God Was A Woman*. Doubleday.
- Trible, Phyllis and B. Diane Lipsett. (۲۰۱۴). "The Delimma of Dominion". In *Faith and Feminism: Ecumenical Essays*. Westminster John Knox Press.
- Van Soldt, W.H. (۱۹۹۰), "Matrilinearität. A. In Elam" in Erich Ebeling et al. *Reallexikon der Assyriologie*, vol. ۷, pp. ۵۸۶-۵۸۸, Berlin: Walter de Gruyter.
- Whittle, Jane. (۲۰۱۰). "Rural Economy". In Bennett, Judith M.; Mazo Karras, Ruth. *Oxford Handbook of Women and Gender in Medieval Europe*.

